

موانع تجاری سازی نتایج تحقیقات دانشگاهی در رشته های علوم پایه دانشگاه های تهران^۱

منصور پرنده^۲

محمد قهرمانی^۳

محمود ابوالقاسمی^۴

مقصود فراستخواه^۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۶/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۵/۲۵

چکیده

با توجه به عصر اقتصاد دانش بنیان و انقلاب دوم آکادمیک هدف این پژوهش شناسایی و بررسی موانع تجاری سازی نتایج تحقیقات دانشگاهی است. رویکرد این پژوهش ترکیبی و روش آن کمی - کیفی است. در بخش کیفی با تحلیل تماتیک تم های اصلی استخراج شده است. در بخش کمی روش توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری بخش کمی دانشجویان مقاطع ارشد و دکتری مدیریت تکنولوژی تهران که ۱۶۰ نفر آن ها انتخاب شده اند. گردآوری اطلاعات به وسیله دو پرسش نامه که ضریب پایایی آن ها با آلفای کرانباخ به ترتیب ۰/۸۹۱ و ۰/۸۰۴ به دست آمده اند. در این پژوهش موانع تجاری سازی با ابعاد شش گانه اش یعنی ساختار دانشگاه ها، فرهنگ سازمانی دانشگاه ها، سیاست گذاری و راهبرد سازی دانشگاه ها، توسعه اقتصادی و صنعتی، ساختار سیاسی - حقوقی و اداری کشور و

^۱ این مقاله برگرفته از پایان نامه دکتری با عنوان بررسی موانع تجاری سازی نتایج تحقیقات دانشگاهی در رشته های علوم پایه دانشگاه های تهران رشته مدیریت آموزشی دانشگاه شهید بهشتی می باشد.

^۲ دانشجوی دکتری دانشگاه شهید بهشتی تهران؛

^۳ دانشیار دانشگاه شهید بهشتی تهران؛

^۴ دانشیار دانشگاه شهید بهشتی تهران؛

^۵ استادیار موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی؛

ساختار اجتماعی - فرهنگی کشور مورد اندازه‌گیری قرار گرفت. با تحلیل عامل تأییدی میزان تجاری‌سازی و تحلیل عامل تأییدی و اکتشافی موانع تجاری‌سازی تحلیل شده است در نتیجه مسیرها (فرضیه‌ها) ی تأثیر ساختار دانشگاه‌ها، توسعه اقتصادی - صنعتی کشور، ساختار اجتماعی - فرهنگی کشور، ساختار سیاسی - حقوقی و اداری کشور بر میزان تجاری‌سازی تأیید شده‌اند و دیگر متغیرها رد شده‌اند.

واژگان کلیدی:

تجاری‌سازی، تحقیقات، علوم پایه، موانع.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

ادامه‌ی حیات در جامعه‌ی دانش‌بنیان، توجه به قلمروهای جدید دانش را اجتناب‌ناپذیر نموده است. در این راستا بازانديشي در سياست‌ها و فرايندهای توليد علم، ضرورتی انکارناپذیر به شمار می‌رود. در تعريف اين قلمرو جديد، توجه به اقتصاد علم یکی از مؤلفه‌های مهم به شمار می‌آید. برای تحقق این مأموریت جدید، دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی نیز باید به بازانديشي در چشم‌اندازها، ساختار فعاليتها، بازخوانی فرايندها و بازنگری فرآورده‌ها از زاويه‌ی دید مأموریت مذکور مبادرت نمایند. در دوره‌ی نوآوری‌های مستمر و سریع در چشم‌انداز تغييرات جهانی، "مؤسسات و سازمان‌ها هم باید به صورت مستمر، مأموریت‌ها، ارزش‌ها و قابلیت‌های خود را جهت دست‌یابی به برون‌دادهای رقابتی بازتولید نمایند" (راوس^۱، ۲۰۰۵: ۲۷۹). در همین راستا "دورنمای مأموریت دانشگاه‌ها نیز دچار تغيير شده و از حیطه‌ی آموزش و پژوهش فراتر رفته و آموزش و پرورش معطوف به توسعه‌ی اقتصادی را در فرا دید خود قرار داده‌اند" (اتزکویتز^۲، ۲۰۰۲: ۱۰۹). با ظهور و تداوم این روند خط‌مشی‌های آموزش عالی متحمل تغييراتی شده‌اند که سبب شده است دانشگاه‌ها همانند شرکت‌های خصوصی برای کسب مزیت‌های رقابتی و افزونی منابع در بازارهای جهانی بکوشند. در گذشته تحقیقات صرفاً معطوف به اهداف علمی و به عبارت دیگر علم برای علم بود اما امروزه با چرخش رویکردها و ایجاد گفتمان‌های مربوط به اقتصاد علم و رویکرد اقتصادی دانش‌بنیان نئولیبرال‌ها، برنامه‌ریزان در صدد هستند تا در عرصه‌ی سیاست‌گذاری‌های آموزشی قابلیت کاربرد علوم، پتانسیل تبدیل علم به ثروت و فواید ملموس را در طول تکثیر و تولید علم لحاظ نمایند. با لحاظ نمودن این رویکرد، دانشی که در دانشگاه‌ها در نتیجه‌ی تحقیقات دانشگاهی ایجاد خواهد شد؛ اگر در مراحل بعدی به محصول یا خدمات قابل لمس تبدیل نشوند یا به عبارت دیگر، در قفسه‌ها بمانند و وارد بازار نشوند؛ درآمدزا نبوده و دانش بیهوده‌ای محسوب می‌گردد. با توجه به موارد مذکور تغییر پارادایم سیاست‌های آموزشی و ورود به پروسه انقلاب دوم آکادمیک که به قول مرتون^۳ ۱۹۶۳ و کوهن^۴ ۱۹۷۰ "شیوه‌های پسا دانشگاهی یا پسا الگویی می‌نامند" (گیبونز و

¹Rouse

²Etzkowitz

³Merton

⁴Kuhn

همکاران (۱۹۹۴) را واقعیتی گریزناپذیر نموده است. بنابراین، رویکرد " نتیجه سیاست‌های حاکم بر تحقیقات دانشگاهی باید انتقال سریع نتایج این تحقیقات به شرکت‌های بخش خصوصی و عمومی با همکاری دستگاه‌ها در راستای نفع عمومی می‌باشد" (زیمیسک، ۱۹۹۹:۹). پس همه مفاهیم ذکر شده معطوف به یک سازه اصلی آن‌هم جهت‌گیری مراکز آموزشی و دانشگاه‌ها به سمت اقتصاد علم و انطباق فعالیت‌هایشان با نیازهای بازار می‌باشد. از مهم‌ترین مکانیسم تحقق تغییر رویکرد مذکور تجاری‌سازی نتایج تحقیقات می‌باشد بنابراین دغدغه پژوهشی حاضر شناسایی و بررسی موانع تجاری‌سازی نتایج تحقیقات می‌باشد و در این راستا مسئله‌های پژوهشی فرعی شامل ارتباط بین ساختار دانشگاه‌ها، فرهنگ‌سازمانی دانشگاه‌ها، سیاست‌گذاری و راهبرد سازی دانشگاه‌ها، ساختار حقوقی و اداری، توسعه اقتصادی و سیاسی و ساختار فرهنگی و اجتماعی کشور با میزان تجاری‌سازی نتایج تحقیقات دانشگاهی موردبررسی قرار می‌گیرد.

مبانی نظری و پیشینه:

تجاری‌سازی فناوری در متون موجود در کالبد واژه‌هایی همچون تجاری‌سازی و تحقیق^۲ و توسعه (R&D) تجاری‌سازی علم^۳ و یا تجاری‌سازی نوآوری^۴ تجسم یافته است. مقایسه‌ی تعاریف به‌کاررفته در فرهنگ‌های مختلف همچون وبستر کمبریج، بیانگر آن است که در به‌کارگیری واژه‌ی علم بر جنبه‌ی دانش (عمومی) و در به‌کارگیری واژه‌ی تحقیق بر جنبه‌ی مطالعاتی آن تأکید دارد. لغت‌نامه‌ی کمبریج تجاری کردن را به معنای «سازمان‌دهی چیزی برای کسب سود» و واژه‌ی فناوری را مطالعه و دانش عملی در استفاده از اکتشافات علمی به‌خصوص در حوزه‌ی صنعت تعریف کرده است.

تجاری‌سازی یکی از روش‌هایی است که می‌توان به‌وسیله آن علم را به اقتصاد گره زد. تجاری‌سازی فناوری یعنی نقل مکان دادن طرح و ایده تا بازار. به‌طورکلی تجاری‌سازی فرایندی است که طی آن ایده‌ها و یافته‌های تحقیقاتی به محصولات، خدمات و فرایندهای قابل عرضه در بازار تبدیل می‌شوند و ایده‌ها و یافته‌های جدید به محصولات و خدمات جدید

¹Ziemisk

²Research& Commercialization

³ Science Commercialization

⁴Innovation Commercialization

قابل عرضه و فروش توسعه می‌یابند. بر اساس دیدگاه مرکز منطقه‌ای انتقال فناوری آسیا و اقیانوسیه^۱ تجاری سازی شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌ها می‌شود که قادر به کسب ایده‌ها، به مرحله رشد رساندن آن‌ها، توسعه فناوری‌های حاصل از تحقیقات، ساخت نمونه‌ی اولیه، گسترش فناوری‌های توسعه‌یافته، توسعه‌ی فرایند جدید یا بهینه‌سازی فرایندهای موجود، عرضه‌ی محصول به بازار، ایجاد موقعیت فروش و ایجاد زیرساخت‌های جدید است (APCTT، ۲۰۰۵). از تجاری سازی تعاریف زیادی ارائه شده است اما وجه اشتراک این تعاریف عبارت است از: "فرایند تبدیل دانش تئوریک موجود در نهادهای دانشگاهی (آموزشی) به برخی از انواع فعالیت‌های اقتصادی"^۲ (اسپلینگ، ۲۰۰۴: ۲۹). یا به عبارت دیگر، فرایندی است که در آن دانش تولیدشده در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و تحقیقاتی را به محصولات قابل عرضه در بازار یا فرایندهای صنعتی تبدیل می‌کند.

پیدایش سبک‌های جدید فعالیت‌های علمی و آموزشی نقش جاری دانشگاه‌ها را به عنوان منبع اساسی تولید دانش مورد تردید قرار داده است (قانع‌ی راد، ۱۳۸۳). بر همین اساس در سال‌های اخیر در سطح کشورهای پیشرفته، دانشگاه‌ها بر مبنای آموزه‌های انقلاب دوم آکادمیک، پس از دوره‌های آموزش و پژوهش، تجاری سازی نتایج تحقیقات را در فرا دید خود قرار داده‌اند. انقلاب دوم دانشگاهی یعنی اینکه بعد از تحقیق به معنای فرایند خلق دانش و درک از رفتار و موضوع در دست بررسی، و توسعه به معنای فرایند سازمان‌دهی دانش و راه‌حل‌های قابل استفاده، باید در پروژه‌ی تجاری سازی فرایند به دست آمده از نتایج تحقیقات را به بازار عرضه نمایند. با توجه به موارد مذکور، تغییر پارادایم سیاست‌های آموزشی و ورود به پروسه‌ی انقلاب دوم آکادمیک را واقعیتی گریزناپذیر نموده است. بر مبنای این رویکرد " نتیجه‌ی سیاست‌های حاکم بر تحقیقات دانشگاهی، باید انتقال سریع نتایج این تحقیقات به شرکت‌های بخش خصوصی و عمومی با همکاری دستگاه‌ها در راستای نفع عمومی باشد"^۳ (زیمیسک، ۱۹۹۹: ۱۰). پس همه‌ی مفاهیم ذکر شده معطوف به یک سازه‌ی اصلی، آن‌هم جهت گیری مراکز آموزشی و دانشگاه‌ها به سمت اقتصاد علم و انطباق فعالیت‌هایشان با نیازهای بازار می‌باشد.

^۱Asian and Pacific Center for Transfer of Technology(APCTT)

^۲Spilling

^۳Ziemisk

با وجود اینکه هزینه‌های تجاری‌سازی بین ۱۰ تا ۱۰۰ برابر هزینه‌های تحقیق و توسعه است و کمتر از ۵ درصد ایده‌ها به صورت موفقیت‌آمیز تجاری می‌شوند اما شواهد نشانگر این است که "دولت‌ها و دانشگاه‌ها به‌رغم توجه مشترکشان به تجاری‌سازی تحقیقات در دانشگاه‌ها، از برخی جهات ابزار و اطلاعات لازم را جهت پایش عملکردها، تحلیل روندها و ارزیابی راندمان و یادگیری از تحقیقات برای اقدامات برتر و سیاست‌گذاری مناسب را در اختیار ندارند" (OECD, 2003: ۱۴۵-۵۵) و بنابراین هنوز انجام این مهم با موانعی همچون عوامل درون‌سازمانی یا موانع مربوط به فرستندگان یا انتقال‌دهندگان تکنولوژی و موانع برون‌سازمانی مربوط به مصرف‌کنندگان فناوری همچون بخش صنعت مواجه می‌باشد.

رویکردهای تجاری‌سازی:

- **دیدگاه اول**، نظر متخصصانی است که تجاری‌سازی فناوری را به‌صورت زنجیره‌ای متصل به هم از خلق ایده تا فروش و به‌کارگیری فناوری توسط مشتری نهایی در نظر می‌گیرند. برای مثال گلد اسمیت تجاری‌سازی را در معنای وسیع کلمه، به فرایند توسعه‌ی یک کسب‌وکار از طریق مطالعه‌ی امکان‌سنجی یک ایده و کاربرد آن تا پذیرش در بازار اطلاق کرده است (گلد اسمیت، ۱۸۵: ۲۰۰۳) در این دیدگاه، تجاری‌سازی فرایندی است که طی آن فناوری به محصولات اقتصادی موفق تبدیل می‌شود. در همین راستا تجاری‌سازی یک محصول، فرایند توسعه‌ی یک محصول از ایده و مفهوم، تا پذیرش آن در یک بازار خاص است.
- **طرفداران دیدگاه دوم** تجاری‌سازی، فناوری را مترادف با انتقال فناوری قلمداد می‌کنند. به‌عنوان مثال جین، تجاری‌سازی فناوری را انتقال دانش و فناوری از یک فرد یا گروه به فرد یا گروه دیگری به‌منظور استفاده از آن در نظام، فرایند، محصول یا یک روش انجام کار تعریف کرده است (بندریان، ۲۰۰۵). از این دیدگاه، تنها فناوری از مراکز تحقیقاتی به صنایع موجود یا کسب‌وکار جدید انتقال می‌یابد.
- **دیدگاه سوم** به متخصصان حوزه‌ی بازاریابی یا توسعه‌ی محصول جدید در شرکت‌ها همچون فیلیپ کاتراختصاص دارد. این متخصصان، تجاری‌سازی فناوری را آخرین سیکل از چرخه‌ی توسعه‌ی محصول جدید قلمداد می‌کنند.

در دوره‌های اخیر محققان به دو موج تجاری‌سازی اشاره می‌کنند، اولین موج در سال ۱۹۸۰ با تأسیس پارک‌های علم و نوآوری و افزایش بودجه‌های خصوصی برای پژوهش و جذب همکاری شرکت‌ها جهت همکاری و سرمایه‌گذاری آغاز شد. موج دوم در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ صورت گرفت که بیشتر با فعالیت‌های هم‌چون تمرکز بر شرکت‌های انشعابی، اعطایی حق اختراع، و واگذاری امتیاز اختراع‌ها، همکاری عمومی بیشتر با صنعت و فعالیت‌های بیشتر دانشجویان در پروژه‌های تجاری‌سازی از موج اول قابل تفکیک است" (راسماسون، ۲۰۰۶: ۵۱۸).. عمده راهبردهای تجاری‌سازی عبارت است از:

خرید حق امتیاز، پروژه‌ی کلید در دست، فرانسیز؛ سرمایه‌گذاری مشترک، ادغام؛ تملک سهام، همکاری در زمینه‌ی پژوهش و توسعه، اتحاد، پیمانکاری، برون‌سپاری، آموزش و تحصیل کارکنان، مهندسی معکوس، استخدام و تبادل نیرو، جاسوسی صنعتی (رادوسویچ^۱، ۱۹۹۹). صدور مجوز بهره‌برداری؛^۲ اتحادهای راهبردی؛^۳ سرمایه‌گذاری سهامی در شرکت مادر؛^۴ سرمایه‌گذاری سهامی در شرکت انشعابی^۴. (سروو ۱۹۹۸ و چونگ، ۲۰۰۶ به نقل از یدالهی فارسی و کلات‌هایی، ۱۳۹۱: ۱۹۵). متعاقب این موارد می‌توان به فعالیت‌های همانند: انتقال فناوری و ایجاد دفاتر مجوز دهی، ایجاد شرکت با سرمایه‌گذاری مشترک و تسهیلات و انکوباتور ها نام برد.

مدل‌های زیادی برای فرموله نمودن مراحل تجاری‌سازی توسط صاحب‌نظران تدوین شده است برخی از مهم‌ترین مدل‌ها در جدول شماره (۱) تلخیص شده‌اند عبارت‌اند. (متین و محمد زاده، ۱۳۹۲).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

¹Licensing

²Strategic Alliances

³Equity Investment in the Parent Company

⁴Equity Investment in Spin-Off

جدول شماره‌ی (۱) نکات برجسته‌ی مدل‌های تجاری‌سازی

مدل	نکات
گلداسمیت	مراحل: تحقیق، امکان‌سنجی، توسعه، معرفی، رشد، بلوغ کاربرد: فناوری‌های پیشرفته و تجاری‌سازی ایده‌های جدید مزیت: تمرکز بر عناصر فنی، بازار و کسب‌وکار
کوکوبو	مراحل: مطالعات مفهومی و امکان‌سنجی، تحقیقات پایه، تحقیقات کاربردی، تحقیقات بهره-مندی، طراحی مدل تجاری‌سازی، تولید واقعی
کوپر	مراحل: ایده‌پردازی، بررسی اولیه، بررسی تفصیلی، توسعه، انجام تست و معتبر سازی، تولید صنعتی، ورود به بازار کاربرد: توسعه‌ی محصولات جدید در سازمان‌های تولیدی مزیت: افزایش کارایی و تسریع عملکرد
رائول و زیگفیلد	مراحل: ایده، توسعه، تولید نمونه، تولید، تجاری‌سازی، بازار مزیت: ترکیبی از نیازهای بازار و فرصت‌های فناورانه است.
جولی	مراحل: فرض کردن بینش دوگانه، تجهیز منابع و تأیید آن‌ها، فراوری تجاری برای تعریف توانایی تجاری کردن، تجهیز منابع برای نمایش، نمایش محتوا در محصولات و فرایند، تجهیز اجزای تشکیل‌دهنده‌ی بازار، ارتقای سطح پذیرش، تجهیز دارایی‌های مکمل برای تحویل کالا، استمرار بخشیدن به تجاری‌سازی کاربرد: تجاری‌سازی فناوری‌های جدید در کشورهای توسعه‌یافته
یونگ و دوکلی	کاربرد: انجام اصلاحات راه‌اندازی تحقیق و توسعه، مکان‌یابی و تولید و ایجاد زیرساخت محیطی در مدل جولی برای ایجاد قابلیت استفاده در کشورهای درحال توسعه
مدل دانشگاه کوئیلند	مراحل: تحقیق و کشف ایده، رونمایی، ارزشیابی، حفاظت از مالکیت فکری، آزمایش مفهوم، منابع مالی، افزودن ارزش، خروجی.

مؤلفه‌های تأثیرگذار بر میزان تجاری‌سازی نتایج تحقیقات دانشگاهی

ساختار دانشگاه‌ها: یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر میزان تجاری‌سازی نتایج تحقیقات دانشگاهی ساختار و فراگردهای حاکم بر دانشگاه‌هاست. گاهی اوقات ساختارها و فراگردهای حاکم بر فعالیت‌های دانشگاه‌ها، ممکن است منجر به گرایش‌های مختلفی نسبت به فعالیت‌های گوناگون تجاری‌سازی شوند. برای مثال ساختار بوروکراسی حرفه‌ای متشکل از

مرزهای سنتی، می تواند گرایشات تجاری دانشگاه را محدود کند یا اینکه انعطاف ناپذیری بوروکراتیک ساختار دانشگاه ها یکی از موانع مهم و اثربخش در انتقال فناوری و تجاری سازی باشد (سیگل، ۲۰۰۰ به نقل از پورعزت و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۵).

حقوق مالکیت فکری: از متغیرهای مهم قابل بحث در تولید محصولات فکری و تجاری سازی آن در هر کشوری قوانین و مقررات مربوط به تولیدات فکری می باشد. قوانین و سیاست های اعمال شده از سوی حکومت ها، به ویژه در خصوص مدیریت و حفاظت از دارایی های فکری، ممکن است فعالیت های تجاری دانشگاه را تحت تأثیر قرار دهد. برای مثال برخلاف قوانین حاکم در امریکا که دانشگاه ها را در نحوه بهره برداری از فناوری های خود کاملاً آزاد گذاشته است؛ در بیشتر کشورهای عضو اتحادیه اروپا، دولت ها مستقیماً خط مشی ها را در جهت ارتقا و تسهیل انتقال دارایی های فکری به دانشگاه ها و مؤسسات پژوهشی دیکته می کنند. خط مشی هایی که معمولاً اهمیت ایجاد انگیزه در دانشگاه ها و دانشگاهیان را برای دنبال کردن این فراگرد، نادیده می گیرند (گولد فارب و هنرکسون، ۲۰۰۳: ۶۳۹). طبق قانون بای - دول دانشگاه ها فناوری های به دست آمده را توسعه نمی دهند؛ بلکه امتیاز این اختراع را به بخش صنعت واگذار می کنند. یکی از مواد قانون مذکور به دانشگاه ها اجازه می دهد از واگذاری پروانه ای این اختراعات حق امتیازهایی برای خود نگه دارند. همچنین این ماده، مشخص می کند که بخشی از این حق امتیاز باید به عنوان درآمد شخصی به مخترعان آنان داده شود. بر اساس این قانون، سهم دانشگاه ها از امتیاز به دست آمده، باید مجدداً به فعالیت های پژوهشی و آموزشی آن ها اختصاص یابد. همچنین بر اساس این قانون، یکی از جنبه های کلیدی پروانه ای اهدای اختراعات دانشگاه ها به سایر مؤسسات صنعتی، «تضمین حق انحصاری» است. یکی دیگر از آثار غیرقابل پیش بینی افزایش علاقه به بهره مندی از دارایی فکری دانشگاه، تأثیراتی است که بر دانشجویان و فرایند آموزش گذاشته می شود. برخلاف کسانی که معتقد بودند ثبت نوآوری ها و انتقال فناوری ممکن است به نحوی دانشجویان را از مشارکت کامل در فرایند پژوهشی بازدارد؛ نتایج حاصل از این وضع نشان می دهد که در عوض، انگیزه ای دانشجویان برای مشارکت، آگاهی آنان درباره ی بازدهی تجاری بالقوه ی یافته های پژوهش هایشان افزایش یافته است (نلسن، ۱۳۷۸ ت، صباغیان).

1 Goldfarb and Henrekson

سویه تقاضا و ظرفیت بخش صنعت: از فشارهای اصلی برای ایجاد نوآوری و توسعه‌ی فناوری می‌توان به تقاضای مشتریان اشاره نمود. خواسته‌های مشتریان و مطالبات بازار به روند ایجاد محصولات و فرایندهای جدید، انرژی و استمرار می‌بخشد. مشتریان راضی، روند توسعه‌ی نوآوری را کند می‌نمایند. علاوه بر مشتریان، نوآوری در بین تأمین‌کنندگان نیز موجب فشارهایی برای توسعه‌ی فناوری می‌شود. به‌علاوه سطح رقابت در صنعت و تهدیدات کالاهای جایگزین نیز از عوامل تحریک‌کننده‌ی نوآوری در شرکت است. سویه تقاضا یکی از محرک‌های تولید علم و تکنولوژی می‌باشد. بنابراین در تجاری‌سازی نتایج تحقیقات تعامل و ارتباط بین دانشگاه‌ها به‌عنوان تولیدکنندگان علم و تکنولوژی با بخش صنعت به‌عنوان مهم‌ترین مصرف‌کنندگان و مشتریان نتایج تحقیقات و تکنولوژی از مهم‌ترین متغیرها می‌باشند.

از دیگر مؤلفه‌های مؤثر بر تولید و تجاری نمودن ایده‌ها ظرفیت و پتانسیل موجود در بخش صنعت جهت جذب و تحت پوشش قرار دادن محصولات علمی همچون برون‌دادهای دانشگاه‌هاست. اگرچه رابطه‌ی بین میزان توسعه‌یافتگی کشورها و اقتصاد دانش‌محور با میزان تولیدات علمی و کاربردی رابطه‌ای دیالکتیک است و شامل اندرکنش و درهم‌کنش‌های فراوانی است؛ اما بدیهی است که بدون وجود بازار گیرنده و متقاضی فناوری که بتواند نتایج تحقیقات را جذب و کاربردی نماید؛ چنین روندی با مشکل و مانع روبه‌رو می‌شود. در همین راستا کوهن و لوینتال بیان می‌کنند که ظرفیت جذب توانایی یک شرکت در تشخیص ارزش اطلاعات و دانش جدید، جذب و به‌کارگیری آن‌ها در جهت اهداف تجاری‌سازی سازمان است (کوهن، ۱۳۷: ۱۹۹۰). اقتصاد دانش‌محور، اقتصادی است که به‌طور مستقیم بر پایه‌ی تولید، توزیع و مصرف دانش و اطلاعات بنا شده است. در این اقتصاد، دانش‌محور محرک اصلی رشد، ایجاد ثروت و اشتغال در تمامی فعالیت‌هاست. در اقتصاد دانش‌محور، سهم قابل توجهی از تولید ناخالص داخلی از فعالیت‌های دانشی مانند توسعه‌ی صنایع مبتنی بر فناوری‌های برتر و ارائه‌ی خدمات مالی و تجاری، دانش‌محور می‌شود. در این اقتصاد، دانش بیش از عوامل سنتی نظیر کار و سرمایه موجب تولید ارزش افزوده می‌شود. به‌طوری‌که طی دهه‌ی گذشته، سهم تولید و صادرات صنایع مبتنی بر فناوری‌های برتر به‌کل تولید صادرات OECD بیش از دو برابر افزایش یافته است (OECD، ۱۹۹۶).

¹Cohen

فرهنگ سازمانی: از موانع مهم تجاری سازی نتایج تحقیقات می توان به تفاوت فرهنگی و بینشی بین اهالی دانشگاه با صاحبان فرهنگ اشاره نمود. درحالی که صاحبان کسب و کار به پول به منزله‌ی هدف نگریسته و علم را فقط ابزاری جهت رسیدن به آن هدف می دانند. انگیزه‌ی اولیه‌ی دانشمندان دانشگاهی، شناخته شدن در مجامع علمی از طریق انتشار نتایج پژوهش های آن‌ها در مجلات علمی، ارائه در کنفرانس های معتبر و کسب امتیازات پژوهشی است. البته ممکن است توسط منافع مالی نیز برانگیخته شوند. درحالی که انگیزه‌ی فعالیت کارآفرینان نسبتاً واضح است؛ آن‌ها به دنبال تجاری سازی فناوری های مبتنی بر دانش برای دستیابی به منابع مالی بیشترند (سیگل^۱، ۲۰۰۳). از دیدگاه دانشگاهیان صنایع فقط به دنبال سود، بهره‌ی تولید، توسعه‌ی محصول و نظایر آن‌اند. درحالی که فرهنگ حاکم بر دانشگاه بسیار متفاوت است. درواقع دانشگاهیان همیشه با پول برانگیخته نمی شوند بلکه گاهی صرفاً به لحاظ شوق و علاقه‌ی شدید به کار، برانگیخته می شوند. فقدان درک دو طرف از فرهنگ همدیگر و وجود اهداف متعارض بین آن‌ها، ممکن است مانع از توسعه‌ی روابط مناسب و اثربخش شود. به‌ویژه اینکه بین تمایل دانشگاهیان به انتشار یافته‌های جدید علمی و تمایل صنعت به استفاده‌ی تجاری از دانش جدید، تعارض شدیدی وجود دارد (دبگر و وگلر، ۲۰۰۵:۳۲۱). انگیزه‌ی "انتشار" رابطه‌ی مبهم پژوهشگران با پول و ماهیت "غیر جذاب" پژوهش های دانشگاهی به‌مثابه سه خصیصه‌ی مهم در سیستم ارزشی دانشگاه شناسایی می شوند. این سه خصیصه که تغییر آن‌ها بسیار مشکل به نظر می رسد؛ ممکن است به موانع اصلی توسعه‌ی تجاری سازی دانش تبدیل شوند (ندونزواو، ۲۰۰۲:۲۸۱).

ساختار اقتصادی: از مهم ترین مانع موجود درراه تجاری سازی نتایج تحقیقات مربوط به بخش اقتصاد کشور به‌عنوان اکوسیستم دربرگیرنده بخش های درگیر با تجاری سازی است، رانتی بودن اقتصاد می باشد. اقتصاد ایران یک اقتصاد مبتنی بر منابع زیرزمینی به‌ویژه نفت خام است. اتکای شدید بر فروش منابع نفتی به‌عنوان یکی از منابع درآمدی کشور، خصوصیات و ویژگی هایایی را به‌طور طبیعی بر ساختارهای صنعتی موجود در کشور تحمیل کرده است. یکی از مهم ترین ویژگی های برآمده از یک ساختار رانتیه، رواج و تثبیت نوعی "ذهنیت رانتی"^۲ در میان

¹ Segal

² Rentier mentality

آحاد اقتصادی است. فعالان اقتصادی دارای ذهنیت رانتی، به طور معمول نوعی بی‌انگیزگی، سنگینی و اینرسی پایدار به خود را به نمایش می‌گذارند که درست در مقابل احساس فوریت و استرس پایداری است که در اغلب کشورهای کمتر توسعه یافته در برابر حضور فقر و عقب‌ماندگی اقتصادی و تکنولوژیک قابل مشاهده است (یاتس^۱، ۱۹۹۶). علت اصلی این اینرسی پایدار، نوعی اطمینان خاطر کاذب از جریان روان و همیشگی درآمدهای حاصل از فروش منابع زیرزمینی در آینده است. انتظار دائمی برای تداوم و حتی افزایش درآمدهای خارجی، هزینه کردن و مصرف را به عنوان یک اصل بدیهی تثبیت می‌کند و رفاه نسبی به دست آمده از این هزینه کردن پیوسته، حس نیاز و ضرورت را که مادر هرگونه ابداع و نوآوری است از آحاد اقتصادی سلب می‌کند. همان‌طور که ببلاوی خاطر نشان می‌کند تغییر معادله‌ی علی کار - پاداش در ذهنیت رانتی به این شکل رخ می‌دهد که پاداش تبدیل به امری حاضر، از پیش موجود و مستقل از انجام کار و یا درگیر شدن در یک فرایند سازمان یافته تولید می‌شود (ببلاوی^۲، ۱۹۹۰). بدیهی است در چنین مواردی اصولاً احساس نیاز همچون موتور محرکه هرگونه کنش انسانی وجود ندارد در نتیجه تلاشی برای تبدیل نتایج تحقیقات به پول و سود مادی صورت نمی‌گیرد. یا حتی در برآورد هزینه فایده و مقایسه درآمد این بخش با سودهای کلان و بادآورده اقتصاد دلالی و رانتی مقرون به صرفه نبوده و جذابیتی ندارد.

پیشینه پژوهش:

در جدول شماره (۲) خلاصه‌ای از پیشینه تحقیق ذکر می‌گردد

جدول شماره (۲) چکیده پیشینه پژوهش در زمینه‌ی تجاری‌سازی نتایج تحقیقات

نام پژوهشگر	سال	موضوع پژوهش
آرنیلد ^۳	۲۰۰۷	بررسی تأثیرپذیری فرهنگ استادان دانشگاه از نگرش‌های بازارپسند شرکا صنعتی، به تبیین و تعریف مرزهای دانشگاه با صنعت در سطح حرفه‌ای
مک فارلن و چنگ ^۴	۲۰۰۸	بررسی تأثیر رفتارهای تجاری دانشگاه بر سه ضابطه تحقیق، شک سازمان یافته، اشتراک گرایی و بی‌طرفی عاطفی در زمینه صنعت و دانشگاه در استانفورد.

^۱Yates

^۲ Beblawi

^۳.Arnildi

^۴ Macfarlane & Cheng

بررسی تأثیر سرمایه‌داری دانشگاهی بر نحوه مدیریت دانشگاه، اولویت‌ها و ارزش‌های بازار یابی پرداخته است.	۲۰۰۳	یلیکوجی ^۱
بررسی روند تغییر ماهیت و هویت دانشگاه در راستای سرمایه-داری و اقتصادی نمودن دانشگاه در علوم پزشکی	۲۰۰۰	یلیکوجی
بررسی ایجاد توازن و تعادل در ارزش‌های رقیب در دانشگاه، رفتار تجاری در کنار رفتار دانشکده‌ای و ساختارهای ادھوکراسی در کنار ساختار سنتی و قبیله‌ای دانشگاه.	۲۰۰۷	زیلوا ^۲
شناسایی موانع عمده فراگرد انتقال دانش و فناوری از دانشگاه به صنعت و کسب‌وکار در کشورهای آمریکا و انگلستان.	۲۰۰۷	دیگتر و دیگران
به بررسی اثرپذیری اهداف و بیانیه‌های مأموریت‌های سنتی دانشگاه بر تجاری‌سازی و کارآفرینی	۲۰۰۷	فلدمن
بررسی رابطه بین تعهد و الزام، ارتباطات و تعامل بین شرکت‌ها و مؤسسات تحقیقاتی	۲۰۰۶	جی هو هیون ^۳
بررسی تأثیر مدیریت و بوروکراسی دانشگاه بر تجاری‌سازی	۱۳۸۹	پور عزت و دیگران

روش تحقیق:

روش مورد استفاده در این تحقیق از روش ترکیبی^۴ کمی - کیفی می‌باشد. بدین ترتیب نظر به اینکه سعی بر آن بوده که با اتکا به مبانی فلسفی و فکری پارادایم پراگماتیسم در روش بر عمل‌گرایی در فرایند تحقیق تأکید شود در بخش کیفی با ترکیب تکنیک‌های متنوع گردآوری داده‌ها متناسب با موقعیت و امکانات در این پژوهش با روش سه سو سازی^۵ یعنی مصاحبه نیمه ساختاریافته و بررسی ادبیات تحقیق؛ موانع تجاری‌سازی شناسایی و بعد از غربال اولیه، مؤلفه‌ها و موانع اصلی با روش تحلیل تماتیک و با تکنیک ادھوک استخراج شده است. لازم الذکر است بر اساس سنت کیفی در این پژوهش با رویکرد نظریه زمینه ای به تولید فرضیه^۶ مبادرت شده است یعنی بعد از پایان‌بخش کیفی فرضیه‌های تحقیق بر اساس تم‌های استخراج شده تدوین شده و مدل مفهومی موانع موجود ترسیم شده است و در بخش کمی که از روش

1. Ylijoki

2. Zilwa

3. Jae-Ho Hyun

4. Mix method

5. triangulation

6. Theory generation

توصیفی و از نوع همبستگی است میزان تعمیم‌پذیری یافته‌ها روی نمونه آماری ارزیابی شده و رابطه بین متغیر وابسته یعنی میزان تجاری‌سازی با متغیرهای مستقل اندازه‌گیری شده و میزان تأثیر هریک از تغییرهای مستقل بر متغیر وابسته به‌وسیله تحلیل عاملی تعیین و مدل مفهومی در معرض اثبات محک کمی قرار گرفت و مدل برازش و ترسیم شد.

جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه:

جامعه آماری پژوهش حاضر در بخش کیفی تحقیق عبارت بودند از اساتید رشته‌های مدیریت تکنولوژی خبره‌های عرصه تجاری‌سازی همچون مدیران واحدهای ارتباط صنعت با دانشگاه و انکیوباتورها، کارآفرینان نوآور، و بازاریاب‌های تکنولوژی بوده است در این بخش نمونه‌گیری هدفمند با روش نمونه‌گیری نظری تا رسیدن به حد اشباع ادامه یافت.

جامعه آماری برای بخش کمی تحقیق شامل همه دانشجویان دوره‌های دکتری و کارشناسی ارشد مدیریت تکنولوژی دانشگاه‌های تهران می‌باشد. مجموع آنان برابر آمار دریافتی از دانشگاه‌ها برابر با ۲۷۵ نفر بودند. با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای ۱۶۰ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شده است.

ابزار گردآوری اطلاعات بخش کیفی مصاحبه نیمه ساختاریافته و روش تحلیل محتوی ادبیات تحقیق صورت است. در بخش کمی ابزار گردآوری اطلاعات این تحقیق پرسشنامه می‌باشد.

تعیین روایی پرسشنامه:

جهت بررسی روایی پرسش‌نامه لازم به ذکر است همه سازه‌های پرسش‌نامه چکیده نظرات خبرگان بوده و مضافاً اینکه روایی آزمون در این پژوهش با بهره‌گیری از نظرات و راهنمایی‌های برخی از صاحب‌نظران، سؤالات آزمون موردبررسی مجدد قرار گرفت و ابهامات آن برطرف گردید، که این امر بیانگر روایی محتوایی^۱ قابل قبول آزمون می‌باشد.

پایایی

در این پژوهش برای به دست آوردن پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ جهت پیش

^۱ Content Validity

تست (Pre-Test) استفاده شده است. میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد که به شرح جدول شماره (۸) ارائه می‌گردد همان‌گونه که مشاهده می‌شود آلفای کرونباخ کل برای پرسشنامه‌های میزان تجاری‌سازی و عوامل مؤثر به ترتیب برابر با ۰/۸۹۱ و ۰/۸۰۴ می‌باشد که بیانگر ثبات و همسانی درونی پرسشنامه می‌باشد.

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها

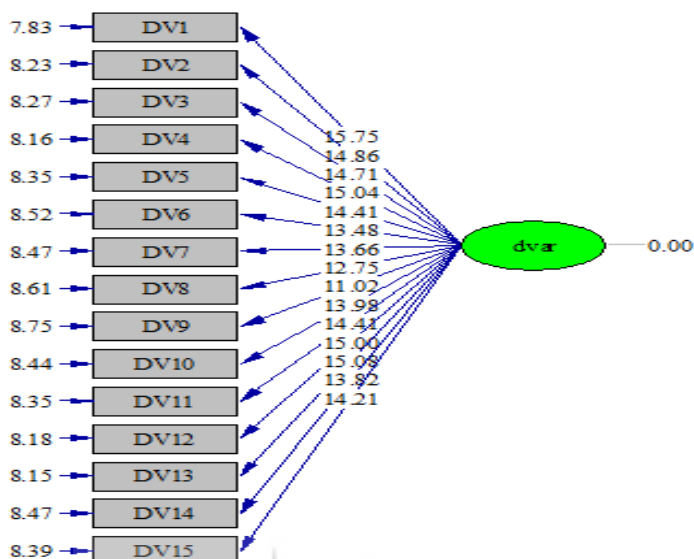
اندازه کفایت نمونه (KMO) آماره‌ای که برای تشخیص سهم واریانس در متغیرهایی که دارای واریانس مشترک هستند و همچنین آزمون معناداری کرویت نمونه بارتلت (Bartlett) در تحلیل عاملی اکتشافی توسط SPSS به ترتیب برابر ۰/۸۸۱ و ۰/۰۰۰ است. لذا توان نتیجه گرفت که داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب می‌باشد.

تحلیل عاملی اکتشافی میزان تجاری‌سازی

لازم به ذکر است، اندازه کفایت نمونه (KMO) آماره‌ای که برای تشخیص سهم واریانس در متغیرهایی که دارای واریانس مشترک هستند و همچنین آزمون معناداری کرویت نمونه بارتلت (Bartlett) در تحلیل عاملی اکتشافی توسط SPSS به ترتیب برابر ۰/۹۷۷ و ۰/۰۰۰ است. لذا توان نتیجه گرفت که داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب می‌باشد.

درصد کل واریانس تبیین شده برای موانع تجاری‌سازی برابر با ۷۱/۲۳ و درصد کل واریانس تبیین شده برای میزان تجاری‌سازی برابر با ۷۸/۳۶۱ می‌باشد و مقادیر ویژه هر یک از این عامل‌ها بزرگ‌تر از یک بوده، که اعتبار عاملی این متغیر با قبول پیش‌فرض مناسب و قابل توجیه است.

همان‌گونه که در نمودار شماره (۱) نشان داده شده است ضرایب و پارامترهای به‌دست‌آمده در مدل اندازه‌گیری میزان تجاری‌سازی را تأیید می‌کند. زیرا مشاهده می‌شود تمامی اعداد معناداری شاخص‌ها بزرگ‌تر از ۱/۹۶ است، در نتیجه ارتباط هر کدام از شاخص‌ها با بعد مربوطه تأیید شده است.



Chi-Square=136.21, df=90, P-value=0.00121, RMSEA=0.057

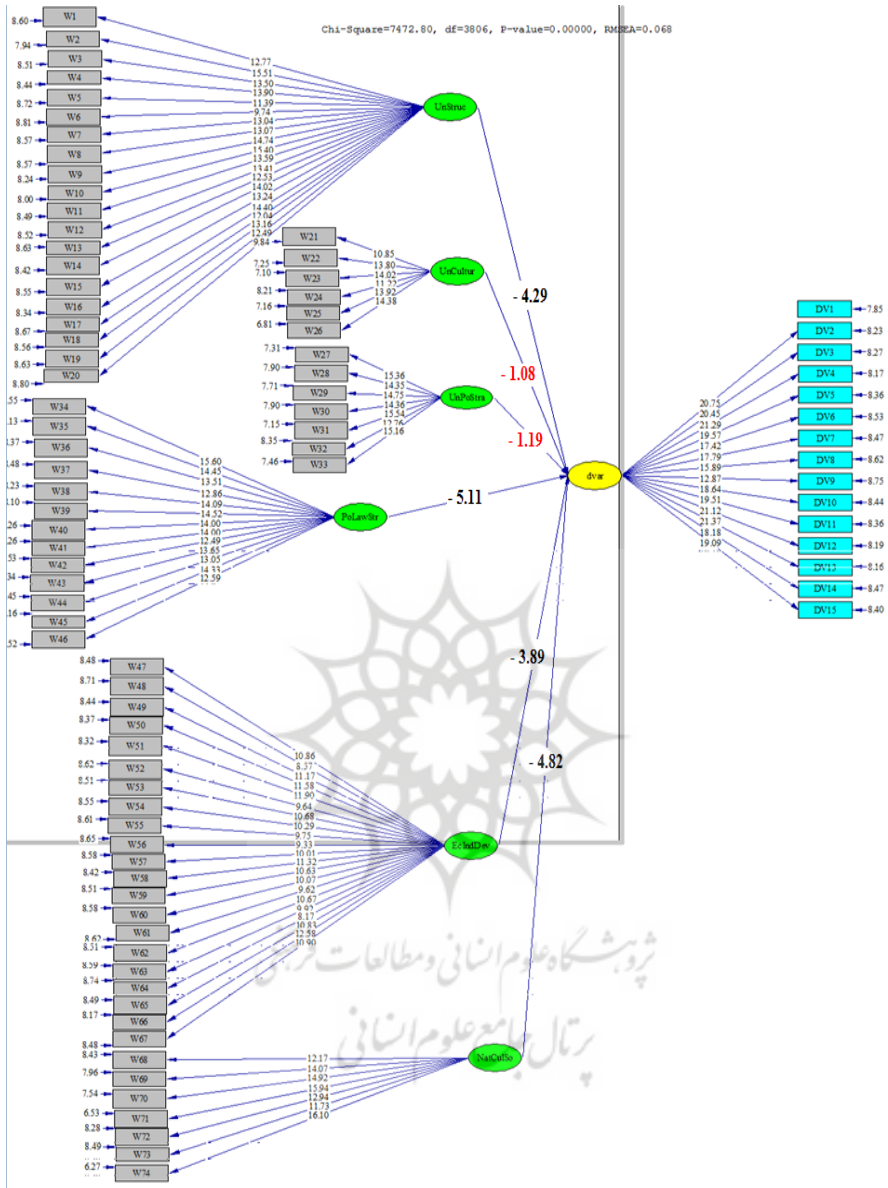
نمودار (۱): مدل اندازه‌گیری تجاری‌سازی در حالت عدد معناداری مرتبه اول

(منبع: یافته‌های پژوهش)

مدل ساختاری پژوهش

سنجش عوامل تأثیرگذار بر تجاری‌سازی و آزمون فرضیه‌های تحقیق و تعیین ضرایب هر یک از متغیرهای تأثیرگذار بر آن از مدل یابی معادلات ساختاری استفاده شده است. معادلات ساختاری^۱ (SEM) یک تکنیک تحلیل چند متغیری بسیار کلی و نیرومند از خانواده رگرسیون چند متغیری است که به پژوهشگر امکان می‌دهد مجموعه‌ای از معادلات رگرسیون را به گونه هم‌زمان مورد آزمون قرار دهد. همان‌گونه که در نمودار شماره (۲) نشان داده شده و نتایج بررسی فرضیه‌ها به صورت کمی مورد سنجش قرار گرفته و نتایج و تفسیر محاسبات در جدول شماره (۳) قید گردیده است.

^۱Structural Equation Modeling



نمودار (۲): مدل اندازه‌گیری موانع تجاری سازی در حالت عدد معناداری مرتبه اول

جدول (۳): نتایج آزمون فرضیه‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش

رتبه	نتیجه	T	ضریب مسیر	جهت مسیر	فرضیات پژوهش
۳	تأیید مسیر	-۴/۲۹	-۰/۴۹	از مانع ساختار دانشگاه‌ها به تجاری‌سازی	H_1
۶	عدم تأیید مسیر	-۱/۰۸	-۰/۱۱	از مانع فرهنگ‌سازمانی به تجاری‌سازی	H_2
۵	عدم تأیید مسیر	-۱/۱۹	-۰/۱۷	از مانع سیاست‌گذاری و راهبرد دانشگاه‌ها به تجاری‌سازی	H_3
۱	تأیید مسیر	-۵/۱۱	-۰/۶۳	از مانع ساختار سیاسی و حقوقی به تجاری‌سازی	H_4
۴	تأیید مسیر	-۳/۸۹	-۰/۴۲	از مانع توسعه صنعتی - اقتصادی به تجاری‌سازی	H_5
۲	تأیید مسیر	-۴/۸۲	-۰/۵۸	از مانع ساختار فرهنگی - اجتماعی و سرمایه‌رابطه‌ای سرمایه به تجاری‌سازی	H_6

بر اساس نتایج مندرج در جدول شماره (۳) فرضیات اول، چهارم، پنجم و ششم تأیید می‌شوند. زیرا ضریب مسیر T تمام متغیرها بیشتر از ۱/۹۶ بوده است، در نتیجه این فرضیات تأیید می‌شوند. اما بر اساس این نتایج فرض فرضیات دوم و سوم رد می‌شوند. زیرا ضریب مسیر T این متغیرها بیشتر از ۱/۹۶- بوده است، در نتیجه این فرضیات تأیید نمی‌شوند. نتایج نشان داد، از بین ابعاد موانع تجاری‌سازی، مانع ساختار سیاسی و حقوقی با (ضریب اثر ۰/۶۳- و عدد معناداری ۵/۱۱-) بیشترین میزان تأثیر را بر تجاری‌سازی را داشته و در رتبه اول قرار گرفته، مانع ساختار فرهنگی - اجتماعی کشور با (ضریب اثر ۰/۵۸- و عدد معناداری ۴/۸۲-) در رتبه دوم قرار گرفته است. همچنان که در مدل شماره (۲) پژوهش نشان داده شده است که بعد ساختار دانشگاه‌ها با (ضریب اثر ۰/۴۹- و عدد معناداری ۴/۲۹-) در رتبه سوم و توسعه صنعتی - اقتصادی با (ضریب اثر ۰/۴۲- و عدد معناداری ۳/۸۹-) در رتبه چهارم قرار گرفته‌اند. دو مانع سیاست‌گذاری و راهبرد دانشگاه‌ها با (ضریب اثر ۰/۱۷- و عدد معناداری ۱/۱۹) و مانع فرهنگ‌سازمانی با (ضریب اثر ۰/۱۱- و عدد معناداری ۱/۰۸) ضمن

اینکه از نظر تأثیر معنادار بر بهبود تجاری سازی رد شده در رتبه های پنجم و ششم جای گرفته اند.

پیشنهادات اجرایی (عملی)

با عنایت به تأیید فرضیه تأثیر ساختار دانشگاه ها بر میزان تجاری سازی نتایج تحقیقات و نظر به سازه های سنجش متغیر مستقل مزبور دانشگاه ها و نهادهای آموزشی در راستای بهبود عملکرد و فعالیت هایشان در زمینه تجاری سازی پیشنهاد می شود به اقدامات زیر مبادرت نمایند:

- ایجاد سیستمی برای مستندسازی و احداث بانک اطلاعات نظام مند ایده ها؛ پتنت ها و یافته های پژوهشی؛
 - برنامه ریزی جهت تأسیس واحدهایی برای بررسی رفتار بازار و شناسایی بازار جدید در جهت بازخوانی و تعریف چشم اندازهای جدید علم و تکنولوژی؛
 - پیگیری هدف دار و مداوم بحث شرکت های انشعابی یا زایشی در دانشگاه ها؛
 - ایجاد نمایندگانی دائمی یا فصلی برای ارائه نتایج تحقیقات دانشگاهی.
 - بکارگیری نیروی انسانی متخصص در انتقال فناوری و کارشناسان تسهیل گر فرایند تجاری سازی؛
 - تولید مقالاتی که در منحنی چرخه عمر تکنولوژی به روز بوده و منسوخ نشده اند.
 - توجه به نیازهای بازار کار و تعامل با مشتریان و آگاه شدن از نیازهای آنان جهت لحاظ نمودن در برنامه ریزی های آموزشی؛
 - توجه به رویکرد تجاری سازی در ارزیابی پروژه های دانشجویان.
 - گذاشتن واحدهایی از دروسی در خصوص تجاری سازی و بازاریابی برای دانشجویان علوم پایه.
 - تبدیل دانشگاه ها به مجتمع های آموزشی- پژوهشی و صنعتی.
- با عنایت به تأیید فرضیه تأثیر ساختار حقوقی و سیاسی و اداری کشور بر میزان تجاری سازی نتایج تحقیقات دانشگاهی و نظر به سازه های سنجش متغیر مستقل مزبور در جهت بهبود و فعالیت های در زمینه تجاری سازی پیشنهاد می شود اقدامات تسهیلگرانه زیر در سیاست گذاری های نهادهای ذی ربط انجام گیرد.

- اجرای حمایت‌های مناسب از حقوق مالکیت فکری و تثبیت آن در قوانین موضوعه کشور؛
- بیمه و جبران خسارت ناشی از ریسک‌های سرمایه‌گذاری در پروژه‌های فناوری توسط دولت.
- ظرفیت‌سازی‌های لازم صنعتی توسط دولت (بر اساس اقتصاد کینزی).
- با عنایت به تأیید فرضیه تأثیر توسعه اقتصادی صنعتی بر میزان تجاری‌سازی نتایج تحقیقات دانشگاهی و نظر به گریه‌های سنجش متغیر مستقل مزبور در جهت بهبود و فعالیت‌های درزمینهٔ تجاری‌سازی پیشنهاد می‌شود اقدامات تسهیل‌گرانه زیر در سیاست‌گذاری‌های نهادهای صنعتی و اقتصادی انجام گیرد.
- توجه به اقتصاد دانش‌بنیان در برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی؛
- داشتن برنامه اصلاح بخش صنعت متناسب با تکنولوژی‌های جدید؛
- تدوین و اجرای سیاست‌های انگیزاننده جهت تشویق بازارهای سنتی موجود در استفاده از شیوه‌های جدید تولید و محصولات جدید؛
- تأمین مالی پروژه‌های ریسک‌پذیر دانش‌بنیان توسط بانک‌ها، سرمایه‌گذاران و دولت؛
- ایجاد زیرساخت‌های صنعتی مناسب جهت پوشش دادن و جذب و به‌کارگیری نتایج تحقیقات.
- اعتمادسازی و تشویق بخش صنعت به سرمایه‌گذاری روی نتایج پروژه‌ها.
- کاهش گسل بین صنعت و اقتصاد ایران با اقتصاد دانش‌بنیان جهان جهت ایجاد بستر مناسب برای استفاده از نتایج تولید علم.
- با عنایت به تأیید فرضیه تأثیر ساختار فرهنگی و اجتماعی کشور بر میزان تجاری‌سازی نتایج تحقیقات دانشگاهی و نظر به سازه‌ها و گویه‌های سنجش متغیر مستقل مزبور در جهت بهبود و فعالیت‌های درزمینهٔ تجاری‌سازی پیشنهاد می‌شود اقدامات زیر در جهت تغییر نگرش و ترمیم سرمایه رابطه‌ای در سطح کلان فرهنگی - اجتماعی صورت گیرد.
- تبدیل‌شدن بحث تجاری‌سازی به یک گفتمان و استقبال عرصه عمومی همچون روزنامه‌ها و ... از تجاری‌سازی.

- تلاش جهت با لابردن همبستگی بین تحصیلات و میزان درآمد در اقتصاد کشور جهت تأثیرگذاری بر انگیزه دانشجویان در پیگیری تجاری نمودن نتایج تحقیقاتشان.
- تلاش جهت تغییر نگرش دولت باوری مردم در زمینه اشتغال که منجر به یک انفعال و تنبلی ملی شده است.
- ایجاد سرمایه رابطه‌ای جهت ترجمان فواید صحیح کاربرد دانش برای بخش‌های مختلف اجتماعی - صنعتی کشور.
- ایجاد سرمایه اجتماعی جهت التزام اجتماعی بخش‌های صنعت و دانشگاه به رشد و بالندگی همدیگر.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع :

- بندریان، رضا (۱۳۹۰). کارآفرینی شرکتی، شیوه‌ای برای تجاری‌سازی دستاوردهای فناورانه سازمان‌های پژوهش و فناوری مستقل. رشد فناوری، شماره ۲۶.
- فکور، بهمن (۱۳۸۶). شرایط زمینه‌ساز برای پیشبرد تجاری‌سازی نتایج تحقیقات در بخش دانشگاهی. رهیافت؛ نشریه اطلاع‌رسانی و کتابداری، شماره چهارم تابستان.
- قانع‌ی راد، محمدمبین (۱۳۸۳) "تحولات اخیر در نقش آموزش و پژوهش در تولید دانش" مجموعه مقالات آموزش و پرورش و گفت‌وگوهای نوین. تهران پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- متین، آیدا و محمد زاده، شادی (۱۳۹۲). مروری بر مدل‌های خطی تجاری‌سازی. فصلنامه رشد فناوری. شماره ۳۶.
- نلسن، لیتا (۱۳۷۸). حمایت از دارایی‌های فکری در دانشگاه‌های آمریکا: صباغیان، علی. نشریه رهیافت، شماره بیستم.

APCTT, A. P. (2005). The hand book of technology transfer chapter technology commercialization. URL:

http://www.technology&sme.net/tech_handbook.aspx, 2005.

Beblawi, H., (1990): Rentier State in The Arab World: In Luciani, G. (Ed), The Arab State. Berkeley: The University of California Press.

Cohen, W.M. and Levnthal, D.D., (1990). " Absorptive capacity: a new perspective on learning and innovation " administrative science Quarterly, 35(10), pp127-152.

Debackere, k., Veugelers R., "Therol of Academic technology transfer organizations in improving industry science links", Research policy Vol. 34: 321-42.

Etzkowitz, H. "University-industry- Government: The Triple helix model Of innovation: (2007). Available online at http://www.eog.org/file_admin_upload/documents/Congress-proceeding/Parague-2007/Etzkowitz_henry.pdf.

Gold, A.h., Malhtra, A., Segars, A. H (2001) Knowledge management: An organizational capability Prepective, Journal of Management information System, Vol.18, No.1, pp.185-214

Goldfarb, B., Henrekson, M., (2003), "Bottom-up versus top-down policies towards the commercialization of university intellectual property", *Research Policy* Vol.32: 639-58.

Gibbons. Michael. (2002). Globalization and the future of Higher Education. University of Lava I. Quebec Canada.

Rouse, W.B (2005) atheory of enterprise teransformation systems engineering. 8(4), 27

Nadonznanu. F. N, Priary, F and Surlemont. B (2002). A stage model of Academic Spin- off creation. Technovation: Vol, 22 pp281-89.

OECD, (2003), Turning science in to business patenting and licensing at public research organi

Rasmussen. E, and Moen, (2006)., initiative to promote commercialization of university knoeledge, Technovation, 26, pp518-533.

- Rouse, W.B (2005) a theory of enterprise transformation systems Engineering. 8(4), 279.
- Radosevic, S., International technology transfer and catch up in economic development, Edward Edgar Publishing Limited, Massachusetts, USA, 1999.
- Siegel, D, S. Waldman, D, A (2004) Toward a model of effective transfer of scientific knowledge from Academician to practitioners: qualitative evidence from the commercialization of university technologies. Journal of engineering and technology management. Vol, 21, 115-149
- Siegle, D s., Waldman, D A., Atawter, L.E., Link, A, N., (2003), "Commercialization Knowledge transfers from universities to firms: improving the effectiveness of university- industry collaboration" Journal of High technology Management Research, Vol.14: 111-33.
- Spilling, O, R., (2004); " Commercialization of Knowledge- conceptual framework"; 13th Nordic conference on small Business (NCSB) research.
- Yadollahi Farsi, Jahangir: (2012) Entrepreneurial University Conceptualization: Case of developing Countries, Global Business and Management Research: An international Journal Vol.4, No. 2, pp.193-204.
- Yates, D.A., (1996); The rentier state in Africa; Oil Rent dependency and neocolonialism in The republic of Gabon, Trenton > N J > African World Press.
- Zieminski, Warda, J (1999): paths to commercialization of university research. P, 9. www.acst-ccst.gc.ca/comm/rpaper/home.ehtml.

